

مدرسه امام ابو حنیفه (رح) وخطرات فراغوش ناشدنی از آن

دیالوگ: الحاج سید سعید علی بن سلمان سویدی

Ketabton.com

۱۳۹۶



تتبع ونگارش:

الحاج امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»
مدیر مرکز مطالعات ستراتژیکی افغان و
مسؤل مرکز فرهنگی دحق لاره - جرمنی

www.masjed.se

مدرسه امام ابو حنیفه (رح) وخاطرات فراموش ناشدنی از آن

مدارس علوم دینی و یا هم حلقه های علوم دینی در افغانستان سابقه ی طولانی و حتی فراتر از هزار سال دارد. در طول تاریخ افغانستان تغییرات سیاسی و تحولات اجتماعی بزرگی و مختلفی در این کشور به وقوع پیوسته است، ولی هیچ یک از این تحولات نتوانسته است دور تسلسل و سیستم عنعنوی این مدارس و حلقه های درسی را به طور کامل قطع و یا فلج نماید.

سیستم درسی شرعی در این کشور معمولاً در مساجد به خصوص مساجد بزرگ و جامع آنهم به کمک مادی و معنوی اهالی منطقه متدین منطقه و از جمله توسط روحانیون، مولوی ها و خطبای مشهور پیشبرده میشود، که زیادتراً از علماء و مدرسین این حلقات درسی در چند قرن اخیر فارغ التحصیل مدرسه های محل و مدرسه دیوبند (1) اند. زیادتراً اوقات دیده شده که مستوای درسی در حلقات این مدارس تقریباً در سطح دیوبند، جامع الازهر شریف و یا به سطح حلقات و مدارس که در عراق و یا هم بخارا سمرقند و یا مرو در آن وقت فعالیت داشت، بوده است. مدرسان و علمای کرام مصروف تدریس با اندکترین امکانات به امور تدریس مبادرت میورزیدند.

القاب معروف دینی که برای شاگردان این مدارس و فارغان به کار برده می شد و میشود، بنام طالب العلم مسمی می بودند. استادانی که تدریس مضامین دینی را پیش می بردند بنام های: ملا، مولوی، مولانا، مدرس، سر مدرس، خطیب و غیره در جامعه شهرت داشتند. عالترین درجه علمی حلقات درسی مساجد و مدارس افغانستان همان لقب مولانا بوده است.

برخی از این اصطلاحات مروج دینی در ساحه افغانستان عبارتند از :
مولوی: اصطلاح دینی است که در کشور ما برای آنده از شخصیت های دینی مورد استفاده قرار میگیرد که در علوم دینی به درجه بالا رسیده باشند. (در پوهنتون دیوبند مولوی تقریباً به معادل درجه علمی لیسانس، و مولوی فاضل معادل فوق لیسانس و مولوی کامل معادل دکتورا به حساب می آید.)

مولانا: اصطلاح است که برای آنده از علمای دینی مورد استعمال قرار میگیرد که درجه علمی اش نسبت به مولوی بلند تر باشد.

ملا: اصطلاح است دینی که برای اشخاصی مورد استعمال قرار میگیرد که در علوم دینی درس خوانده و در مورد امور دینی معلومات تقریباً نسبی داشته باشد.

هکذا مساجد در افغانستان جنب انجام امور عبادی، سیاسی و اجتماعی، محل مناسبی و اصلی برای تعلیم و تربیه نسل جوان و به خصوص اطفال به شمار می رفت.

تقریباً در اکثریت مطلق مساجد افغانستان معمولاً اطفال از سن 5 سالگی وارد تعلیم دینی می شدند. برای تربیه این عده اطفال در حد اعظمی کوشش به عمل می آورد تا، آموزس همان تعلیم و نوشتن حروف الفباء بود، کتاب مشهور و معروف از «قاعدہ بغدادی» آغاز میشود، که بعد حسن خط، قرائت و حفظ سوره های کوتاه را هم در بر داشت.

نوجوانان در این مساجد بعد از گذشت یک مدت توانمندی خواندن و تلاوت و حفظ جزء آخر قرآن کریم را بدست می آوردند، بعد از گذشت یک مدت حلقه‌های درسی طلبه، تغییر نموده و در جنب آموزش قرآن کریم، رساله‌های معروفی از جمله پنج کتاب، گلستان و بوستان سعدی می پرداختند. حتی برخی از این کتب را در حافظه خویش می سپردند. آموزش خط، خوش‌نویسی، تعلیم نماز، فقه و حدیث، علم حدیث، میراث، حساب، از دیگر مضامین و مسوئلیت‌های آموزشی بود که در سیستم تعلیمی مساجد به آن اهتمام بیشتر صورت می‌گرفت.

مضامین قاعده خوانی، قرائت و صوت اللحن، حفظ قرآن عظیم الشان، ترجمه لفظی قرآن، ترجمه و تفسیر قرآن کریم، تفسیر آیات الاحکام، دستور زبان عربی، فقه علمی و تخصصی شامل نصاب تعلیمی و عنعنوی این مساجد بود.

طوری که یاد اور شدیم در حلقه‌های درسی مساجد، اطفال توانمندی آن را می یافتند تا قرآن کریم را از روبر بخواند، ادامه تحصیل برای جوانان در این مدارس سهل و آسان بود ولی دختران معمولاً پس از سن 8 سالگی و 9 سالگی از رفتن به مسجد قطع و مصروف امور منزل می شدند.

در زمان حکومت امیر امان الله خان اهتمام و توجه برای مدرن ساختن و انکشاف معارف و بخصوص طرح تأسیس مدارس در چوکات وزارت معارف روی دست گرفته شد و برای اولین بار در سال 1298 هـ. ش. اولین مکتب دارالقضات الامانیه در شهر کابل تأسیس یافت. هدف حکومت و وزارت معارف دوران امیر امان الله خان این بود تا در جنب آموزش علوم اسلامی، جوانان مصروف علوم عصری نیز گردد، و در ضمن میخواستند تا کدر های مکتبی برای ادارات قضایی، مکاتب، و منابر مساجد را بطور مسلکی تربیه و آموزش دهد.

دولت در نظر داشت تا تربیه علماء، خطباء، مبلغین، مدرسین و حافظان قرآن مجید و واعظین مساجد را تحت یک سیستم واحدی بیاورد.

و آموزش اصول، قواعد و احکام اعتقادی، علمی و اخلاقی دین مقدس اسلام که تاثیر بسزای در زندگی فردی و اجتماعی دارد تحت یک سیستم واحدی سازماندهی کند. و در نهایت پلان دولت این بود تا قضات، مدرس، مبلغ و منبر مسجد را در اختیار خود داشته باشد.

تأسیس سلسله مدارس در افغانستان:

برای تحقق پلان متذکره وزارت معارف وقت پلان منظم را روی دست گرفته و اولین قدم های را در تأسیس مدارس در مرکز و ولایت کشور آغاز نمود که از آنجمله میتوان از مدارس ذیل نام برد:

مدرسه شاهی، دارالعلوم عربیه، مدرسه علوم شرعیه، مدرسه امام ابوحنیفه (رح)، دارالحفاظ کابل، مدرسه نجم المدارس شرقی، مدرسه اسدیه مزار شریف، مدرسه ظاهرشاهی میمنه، دارالحفاظ میمنه، مدرسه جامع هرات، مدرسه فخر المدارس در هرات، دارالحفاظ هرات، مدرسه تخارستان در کندز، مدرسه محمدیه در کندهار.

مدرسه امام ابوحنیفه (رح):

مدرسه امام ابوحنیفه (رح) در سالهای (1322 و 1323 هـ. ش.) از جانب وزارت معارف افغانستان تحت نام «دارالعلوم شرعیه پغمان» در ولسوالی پغمان ولایت کابل،

تاسیس یافت. سپس در دهه چهل خورشیدی و بعد از قتل مدیر مدرسه پوهاند عبد الحق؛ به ولسوالی بگرامی کابل انتقال یافت و در جوار دریا لوگر در ساحه باغ مشهور امیر حبیب الله خان با داشتن تعمیرات نسبتاً خوبی برای بود و باش شاگردان (لیلیه)، صنوف درسی، طعام خانه و مسجد زیبا، ایجاد و تاسیس گردید. اولین سرمدرس این مدرسه استاد محترم مولانا شاه محمد رشاد نام داشت، که مسؤلیت این مدرسه جدید تاسیس عالی را تا سال 1330 هجری شمسی به بهترین وجه ممکن آن زمان رهبری و مدیریت فرمود. طوری که یادآور شدیم این مدرسه در بدو تاسیس بنام (مدرسه علوم شرعیه) تاسیس و مسمی گردید. این مدرسه تقریباً بعد بیست سال از فعالیت درسی خویش تغییر نام داد این مدرسه بنام شخصیت جلیل القدر اسلام امام فقهی مسلمانان امام ابو حنیفه (رح) تغییر نام یافت.

در بدو تاسیس و آغاز فعالیت درسی شاگردان این را فارغان صنف ششم ابتدایی تشکیل میداد و برای شش سال علوم مختلف درسی را فرا میگرفتند. طلاب این مدرسه از چنان سیستم عالی درسی برخوردار بودند که شاگردان فارغ التحصیل این مدرسه بدون طی مراحل عمومی امتحان کانکور، شامل پوهنخی شرعیات پوهنتون کابل میگرددیدند. بعد از تغییر نظام درسی وزارت معارف، این مدرسه سیستم درسی خویش شامل فارغان صنوف هشتم نموده، که سیستم درسی آن از صنف نهم آغاز میشد. ولی بعد ها وزارت معارف دارای سیستم جدید تعلیمی شد و این مدرسه بار دیگر از صنف هفتم البته با اخذ کانکور صنف ششم شاگرد پذیرفت. شاگردان از تمام ولایات کشور به صورت متناسب بهترین شاگردان پذیرفته میشدند.

این مدرسه اولین فارغان خویش را در سال 1329 هجری شمسی به جامعه تقدیم داشت و تعداد فارغان آن به 22 نفر میرسید. (رساله: کانون های علوم و ثقافت اسلامی در افغانستان، صفحه 56-57 نوشته دکتور عبد الله خاموش الهروی).

ولسوالی بگرامی:

مدرسه امام ابو حنیفه (رح) در موقعیت تقریباً در ۱۵ کیلومتر شهر کابل در ولسوالی باگرامی قرار دارد. ولسوالی بگرامی دارای، قریه جات مهم از جمله قریجات بگرامی، بتخاک، حسین خیل، کمری، قلعه آدم خان، کاریزها، قلعه را باز، شینه، نوآباد، قلعه حسن خان سفلی، سهاک، قلعه احمد خان، قلعه حسن خان علیا نیازی، مموزایی، شیوکی، الوخیل، و ولایتی میباشد.

دارالعلوم العربی کابل:

قابل تذکر است که در سایر مدارس که افغانستان در آن زمان در چوکات وزارت معارف وقت وجود داشت دو مدرسه هریک مدرسه امام ابوحنیفه (رح) و مدرسه دارالعلوم کابل از محتوای درسی در سطح بی نهایت عالی قرار داشتند. زیادتر اوقات استادان خارجی از کشور عربی اسلامی و مراکز علمی شان چون ازهر شریف برای تدریس در این مدرسه ها به اساس قرارداد وزارت معارف می آمدند و غرض آموزش لسان و قواعد لسان عربی محصلین این مدارس را با سیستم موجود در پوهنتون الازهر کمک و مساعدت میگرددند. کتب درسی برای آموزش لسان عربی برای شاگردان با سیستم جامعه الازهر تقسیم می نمودند، بنا بر همین امتیاز بود که محصلین این دو مدرسه به سهولت در پوهنتون الازهر و پوهنتون های کشور عربستان سعودی چانس تحصیلات عالی را بدست می آوردند. ولی

ناگفته نباید گذاشت که :هست مواردی که تعداد از محصلین به طور آسان بورس های تحصیلی بدست می آوردند .

در سال 1385 هـ. ش. زمانیکه جناب استاد عبد السلام «عابد» که ریاست درالعلوم کابل را بدوش داشت، یک بار دیگر با پوهنتون از هر شریف مصر قرار داد تحصیلی و تبادل بورس های تحصیلی بست ، که بنابر همین قرار داد سالانه سه نفر استادان مصری برای آموزش زبان عربی با کمیت از کتب لسان عربی به افغانستان اعزام می شدند و قرار احصائیه در آن زمان این کتابخانه دارای 3000 جلد کتب در مورد لسان عربی وقواعد آنرا دارا بود.

مدرسهء فخر المدارس هرات:

این مدرسه عالی در بدو تاسیس بنام فخر الدین الرازی (رحمة الله علیه) که در منطقه مصلی موقعیت دارد یاد میشود .

ابو عبد الله محمد بن عمر بن حسین بن حسن تیمی بکری طبرستانی رازی شخصیت فیهی ، متکلم ، مفسر ، حکیم وفلسوف دوران خویش که در سال 544 قمری متولد ودر سال 606 قمری در ولایت باستان هرات وفات یافته است .
در مورد تاسیس مدرسهء فخر المدارس باید گفت : که این مدرسه در بدو به کمک مادی ومعنوی مردم متدین و علم پرور هرات که در رأس آن مولنا ضیاء الحق «توخی» از علماء مشهور دیار هرات قرار داشت، در سال 1308 هجری شمسی در ساحه وسیعی از زمین وقفی تاسیس گردید. بعد ها در سال 1312 هجری شمسی این مدرسه به وزارت معارف مرتبط گردید. این مدرسه در سال 1316 هجری شمسی اولین گروپ از علمای تحصیل کرده را به جامعه افغانستان تقدیم داشت.

مدرسهء الجامع الشریف:

مدرسه جامع شریف از جمله یکی از سابقه دار ترین مدرسهء دینی وشرعی افغانستان است که در زمان حکومت سلطان غیاث الدین وسلطان ملك غیاث الدین غوری در سال 600 هجری شمسی به کمک مادی ومعنوی مردم تاسیس گردیده است.
این مدرسه در سال 1311 هجری شمسی به وزارت عدلیه وقت وبعد ها در سال 1319 هجری شمسی به وزارت معارف وقت مربوط گردید. اولین دورهء محصلین رسمی این مدرسه در سال 1344 هجری شمسی فارغ گردید بودند.
قابل تذکر است که این مدرسه کدام تعمیر مستقلى نداشت، طلبه این مدرسه در اطاق ها مسجد دروس خویش در حلقه کوچک درسی پیش می بردند. میگویند این مدرسه کتابخانه غنی علمی را در اختیار داشت.

مدرسهء نجم المدارس «هده» در ولایت ننگرهار:

این مدرسه در سال 1310 هجری شمسی در قریه بنام هده که از مرکز ولایت جلال آباد (ننگرهار) تقریباً 15 کیلو متری فاصله داشته است تاسیس یافت . این مدرسه بنام شیخ مولانا نجم الدین اخوند زاده که یکی از علماء ومجاهدین بزرگ علیه استعمار انگلیس بود مسمی شد .

اولین دورهء محصلین این مدرسه در سال 1344 هجری شمسی از این مدرسه فارغ وبه جامعه تقدیم گردیدند.

تعمیر جدید مدرسه:

تعمیر جدید مدرسهء نجم المدارس هده در زمان مدیریت مولانا محمد سعید «سعید افغانی» که مدیر مدرسه بود در سال 1337 هجری شمسی تهداب گذاری شد. خبر تهداب گذاری بنای جدید مدرسه نجم المدارس هده را جریده قلمی «النجم» این مدرسه، در شمار هشتم خویش چنین انعکاس و نشر نموده است:

«د نایب الحکومه مرستیال شاغلی محمد ظریف په داسی حال کې چې دمرافعی قاضي، ادراي مدير، دنجم المدارس مدير، بنوونکي، شاگردان، او ددهي ځيني سپين گيري او خلک حاضر وو په هده کې دنجم المدارس دمدرسي د نوي عماره د تادؤ تيره يي کيښودله. دنایب الحکومه بناغلی مرستیال اود مرافعی قاضي په خپلو ويناؤ کشي داسلامي علومو د مدرسو دانکشافاتو په باب د حکومت پاملرنه څرگنده کړه. مولانا سعید افغانی د مدرسې مدیر د حکومت د علاقمندي نه چه دیني مدارسو سره يي لری د حاضرینو له خوانه رضائیت بنکاره کړه اووي ويل چې مونږ غواړو چه ددي مدرسې د شاگردانو د روزلو په واسطه اسلامي شریعت قوي وساتو.» (د چهارشنبې ورځ، کال 1337 هجری شمسی، دقوس 19 - النجم)

یادی یکی از مدیران این مدرسه:

په کال (۱۳۲۸ هجری، ش) کې مولانا محمد سعید «سعید افغانی» فعال، مخکښ، اجتماعي شخصیت او دیني عالم، مدرس، ددی دارالعلوم یا نجم المدارس په مدرسه کې لمړی د استاد او بیا د مدیر په توگه وگمارل شو.

سعید افغانی ددي مدرسې د مدیریت تر څنگ په علمي، دیني، سیاسي او فرهنگي برخو کې د خلکو د اذهانو د روښانولو په مقصد او موخه پيري هلي ځلي کړي دي چې د دي مدرسې د «النجم» د اونيزي جریدې کې دهغه وخت د امکاناتو او محدودیتونه سره سره د یادولو وړ ذکر راغلاي دی.

ددي جریدې چلونکی مولانا محمد سعید «سعید افغانی» د نجم المدارس مدیر او ددي جریدې مرستیال د هغه وخت د نجم المدارس د دولسم ټولگي ممتاز او با استعداد شاگرد، بناغلی حضرت خان وو. حضرت خان چې دبنکلی املا، انشاء او حسن خط خاوند وو، د جریدې د تخنیکي جوړښت تر څنگ د مضامینو د انتخاب او لیکولو کار يې د مولانا سعید افغانی تر مدیریت او رهنمائي لاندې پر مخ بيوه.

استادان و محصلین مشهور نجم المدارس در سالهای (1328 هجری شمسی)

مولوی عبد المجید «حمیدی» مدرس

مولوی شمس الرحمن مدرس

مولوی احمد گل «مدرس»

ملاسید غریب

مولوی عبد الشافی

مولوی عبد الحمید

مولوی محمد شریف

محمدنواز ددار الحفاظ سرمدرس

مولوی محمد ایاز دمدرسی منتظم

ملا عبد الرزاق «أسف»

ملا محمد ابراهیم ،
ملا شمس الاسلام ، شمس
مولانا سید محی الدین «علوی صدیق الله ککرکی»
ملا حضرت خان
ملا شاه جهان
ملا محمد اسماعیل قاری
ملا محمود
ملا حمد الله
ملا فیض محمد
ملا عبد الودود
ملا سلطان عزیز
ملا معرج الدین
ملا حبیب الرحمن
ملا محمد نعیم شاگرد مدرسه
مولوی شمس الرحمن
محترم آصف
همیم کاکر
سلطان عزیز
شاه جهان ددولسم تولگی محصل
محمود ددولسم تولگی محصل
حمد الله دره نوری
سید غریب ددولسم تولگی محصل
محترم حضرت خان د دولسم تولگی محصل
گل محمد عارفی داتم تولگی محصل
محبوب الله اخلاص داتم تولگی محصل
محترم فیض محمد دنهم تولگی محصل
عبد الودود رفیق
معرج الدین جمیلی داتم تولگی محصل
همیم کاکر دنهم تولگی محصل
عبد الرحیم دنهم تولگی محصل
سلطان عزیز داتم تولگی زدکونکی
حبیب الرحمن
محمد عمر دیولسم تولگی زدکونکی
محمود ددولسم تولگی محصل
شاه جهان دیولسم تولگی زدکونکی
گل محمد داتم تولگی محصل

تعداد و برخی از محصلین این مدرسه که اسمای شان در فوق تذکر رفت از جمله طلبه

فعال حلقات فرهنگی مدرسه بشمار میرفتند که در نشر مقالات در جریده قلمی «النجم» سهم فعال می‌گرفتند ولی بودند از علماء و طلبه که اسمای شان از درج باز مانده است.

مختصری درباره شخصیت نجم الدین آخوندزاده:

قبل از همه باید «آخوندزاده» در یک تعریف محلی لقب دینی است و بر کسی اطلاق میشود که سه نسل آن ملا و مدرس باشد.

دکتور مولوی محمد سعید «سعید افغانی» در رساله خویش تحت عنوان «زما ژوند» که در سال 1365 هجری به نشر رسیده، در مورد شخصیت علمی و جهادی شیخ نجم الدین آخوندزاده می نویسد:

«زه دخیل پلار سره (مولانا عبد المجید د لغمان د ولایت مشهور مجاهد او عالم) سره خو واری « هدی » ته د مرحوم ملا نجم الدین آخوندزاده صاحب زیارت ته تلی یم او اکثر به زما پلار د روژې د مبارکی میاشتی په اولو ورخو کبني د قرآن کریم ختم د نجم الدین آخذ زاده په جامع جومات کې زیارت تر څنگه کوه او هلته به د روژې د میاشتو په تراویحو کبني درې شپو کې ټول قرآن کریم ختم او لوستل کیده. دی ختم ته دمشرقی، ننگرهار حتی د سرحداتو ډیر خلک را ټولیدل. هلته په هغو شپو کې تود لنگر د هغه خای د شیخانو د اسلام پور د پاچایانو په مشری چلیده. په دې لنگر کې زرهاؤ خلکو ته ږوډی ورکوله کیده، ډیر مالونه حلا لیدل او زیاتی وریجی او ږوډی پخیدلی.

دی لنگر ته د روژې په اولو شپو کې زیات خیراتونه او مرستی رسیدلی. مرحوم نجم الدین آخوندزاده صاحب د وخت پوه عالم او سالک ؤ. دی د صوات مرحوم ملا غفور آخوندزاده مرید ؤ. دی د قادری په طریقی کې پیر او مرشد گرځیدلی او په زرهاؤ مریدان او په سلهاؤ مآذونان ئی در لودل. د نجم الدین آخذ زاده صاحب مآذونان په ټول افغانستان کې د پوره شهرت خاوندان ؤ.

نجم الدین آخوندزاده صاحب لوی مجاهد ؤ او د انگلیسانو په مقابل کې ئی د امیر عبد الرحمن په وخت کې زیاتی مشهورې غزاګانې کړې دي.

دی د امیر عبد الرحمن په عصر کې دمهمندو د قام په « جروبی » علاقې کې اوسیده او بی د امیر د اجازې څخه د انگلیسانو په مقابل کې ئی جهاد کولو تر داسې اندازې دده جهاد قوت موندلی ؤ چی انگلیسانو امیر عبد الرحمن خان ته یو لیک واستوه چې په هغه کې درې لاندی مطالب درج ؤ.

1- ملا نجم الدین د سرحد څخه لرې کړه ځکه دی زمونږ په مقابل کې د جهاد پارونه کوي.

2- څرخي سپه سالار چې په کنړ کې دی هغه د مجاهدینو سره مرسته کوي نو هغه له دې خای څخه وغواړه او بل چیرې ئی واستوه .

3- دافغانستان او دسرحد دخلکو سره تک او راتګ بند کړه.

امیر عبد الرحمن خان د انگلیسانو په ځواب کې داسی ولیکل:

1- نجم الدین آخوندزاده صاحب زما په واک نه دی. هغه د مهمندو په آزاده سیمه کې اوسیري او په خپل سر د تاسو په مقابل جګړی تنظیموي. زه په خپله هم د هغه د زیات شهرت او اعتبار څخه ډاریرم. دی دلته په افغانستان کې زیات مریدان او مخلصان لري او خلک په ده باندی د ولایت دومره قوی عقیده لري چې که دوی چیرې

پس له محمد صلی الله علیه وسلم په چا باندی د رسالت عقیده منله نو به په دې باندې به ئې د پیغمبری ایمان راوړی وی، نو بڼه داده چې د افغانستان څخه بیرون وی.

2- زه حاضریم چې څرخي سپه سالار د ستاسې دلیکني په اساس دکړونو څخه بدل کړم خو په دې شرط که چیرې هلته د تاسو په ضد وضعه زیاته وړانه شوله مسؤلیت به ئې زما په ذمه نه وي ځکه چې زما به فکر د څرخي سپه سالار وجود هلته چې پوه او مدبر شخصیت دی دستاسو په گټه دی.

3- لطفاً موضوعات لږ دقیق وڅیړی، هغه داچې دافغانستان او سرحدی خلکو تر مینځ پولې ارتي او دوی تر مینځه د ورورې روابط نه شکیدونکی علایق دي چې هیچا ته دا امکان نه میلاویری چې د دوی تر مینځه تگ او راتگ بند کړی. او که څوک دی کار ته اقدام وکړی و به ئې نشی کړی - ځکه ورور د ورور څخه جداکول او خپل او دخپلوان څخه بندول آسان کار نه دی او هغه هم بیا په داسی ارته سیمه اوبیدیا کې.

وایي: د امیر عبدالرحمن خان په یاداشتونو کې راغلي دي چې ده په پټه د مرحوم نجم الدین آخندزاده صاحب سره رابطه درلوده او په مخفي ډول ئې خلک د انگلیسانو په مقابل کې پارول خو په ظاهر کې د انگلیسانو سره د عدم تعرض متعهد و.»

مدرسه اسديه مزار شريف:

این مدرسه به کمان اغلب « اسد الله غالب » از نام امیر المؤمنین سیدنا علی بن ابی طالب گرفته شده است. سال تأسیس مدرسه را سال 1315 هجری شمسی، معرفی داشته اند، موسس آن مولانا عبید الله صافی بود که به کمک مادی و معنوی مردم محل تأسیس گردیده است. در بدو درس دوره ابتدایی، بعداً دوره ثانوی را پیش می برد در سال 1341 هجری شمسی به وزارت معارف ملحق گردید.

مدرسه ابی مسلم در ولایت فاریاب میمنه:

این مدرسه به کمک مادی و معنوی مردم محل و در رأس آن عالم جلیل القدر مولانا محمد جان الهروی در سال 1315 هجری شمسی تأسیس شده و بعداً بوزارت معارف افغانستان ملحق شده. این مدرسه شاگردان را از دوره ابتدایه جذب و برای دوره لیسه تربیه مینمود. اکثریت شاگردان این مدرسه را متعلیم دینی از ولایت فاریاب، بادغیس و جوزجان تشکیل میداد.

مدرسه تخارستان ولایت کندز:

مدرسه عالی تخارستان در ولایت کندوز به کمک، مساعدت و همکاری مردم که در پیشا پیش آن عالم مشهور آن منطقه مولانا غلام سرور قرار داشت در سال 1311 هجری شمسی تأسیس و به فعالیت آغاز نمود. این مدرسه بعد ها در سال 1338 هجری شمسی به وزارت تعلیم و تربیه ملحق شد. در سال 1344 هجری شمسی برای اولین بار به تعداد 19 فارغ التحصیل به جامعه تقدیم داشت. مدرسه تخارستان از جمله معتبر ترین مدرسه منطقه از جمله برای شاگردان ولایات کندوز، تخار، بدخشان و بغلان بشمار میرفت.

مدرسه المحمدیه در ولایت قندهار:

این مدرسه در سال 1352 هجری شمسی در ولایت قندهار تأسیس یافت. برای تدریس مضامین دینی شاگردان را برای صنف نهم می پذیرفت. این مدرسه اولین دوره محصلین

خویش را در سال 1358 هجری شمسی به جامعه تقدیم داشت. اکثریت محصلین این مدرسه را شاگردان از ولایات قندهار، هلمند، زابل و ارزگان تشکیل میداد.

مدرسهء الروحانی در ولایت پکتیا گردیز:

این مدرسه در سال 1351 هجری شمسی تأسیس شد. در سال 1358 هجری شمسی برای اولین بار فارغین خویش را به جامعه تقدیم داشت. اکثر طلاب این مدرسه را جوانان از ولایت پکتیا، غزنی و پکتیکا تشکیل میداد.

خوانندهء محترم!

طوریکه در فوق هم یاد آور شدم، در جهان اسلام و از جمله افغانستان به صورت خاص از جملهء کشور های است که در اکثریت مساجد جامع شان مدرسه و یا هم حلقه درسی از طلابه وجود داشت که توسط مردم متدین محل کمک و پیشتیبانی همه جانبه مادی و معنوی میشود. در مدارس نه تنها علوم دینی تدریس میشود بلکه در جنب آن به صورت خاص حفظ کامل با تجوید و ترتیل قرآن عظیم الشان هم صورت میگرفت. مشهور ترین مدارس آن مدرسه شولگر نور المدارس در ولایت غزنی، مدرسه تره خیل در منطقه هودخیل و مدرسه دینی ترگری ولایت لغمان که توسط مولوی عبد المجید وسایر روحانیون برجسته ولایت لغمان به پیش برده میشود.

دارالحفاظ های رسمی افغانستان:

سیستم درسی و تعلیمی دارالحفاظ ها طوری تنظیم گردیده بود که شاگردان خویش را در صنف نهم جذب مینمودند و شاگردان در جنب اینکه به حفظ قرآن عظیم الشان به ترتیل، تجوید و حسن قرائت می پرداختند، مبادی علوم دینی نیز را نیز فرا میگرفتند. البته در اکثریت مطلق مساجد افغانستان دروس ابتدایی قرآن و حفظ سوره های قرآن بطور نورمال برای اطفال در تمام کشور و قریه جات افغانستان جریان داشت ولی ما در این نوشته ذکر آنده از دارالحفاظ های را بعمل می آوریم که در بدو به جد و جهد اهالی متدین محل و علماء تأسیس گردیده و بعداً از جانب وزارت معارف کشور بحیث دارالحفاظ های رسمی پذیرفته شده و به یکی از مدارس رسمی در همان ولایت مدغم گردیده است.

بصورت عموم همهء مدارس رسمی وزارت معارف از جمله (مدرسهء نجم المدارس، مدرسهء تخار، مدرسه اسدییه و غیره دارای) دارالحفظ بودند، بجز از مدرسه امام ابو حنیفه (رح) و مدرسه جامع هرات که دارای دارالحفاظ به صورت مستقل در تشکیل نداشتند اما شاگردان در پهلوی دروس دیگر دینی به حفظ بخش ها و اجزاء از قرآن کریم مکلف ساخته میشدند.

دارالحفاظ های مشهور عبارت بودند از:

دارالحفاظ کابل:

این دارالحفاظ در بدو به کمک اهالی متدین کابل و برخی از علماء تأسیس گردید. در سال 1281 هجری شمسی بحیث دارالحفاظ رسمی در وزارت معارف کشور ثبت گردید. این دارالحفاظ بنام «بیت القراء» شهرت یافت، و برای تنظیم امور درسی رسماً به مدرسهء دارالعلوم کابل ملحق گردید. این دار الحفظ برای اولین بار در سال 1327

هجری شمسی حافظین تحصیل کرده به جامعه تقدیم داشت.

در نصاب تعلیمی این دار الحفاظ، مضامین قاعده خوانی، قرائت و صوت اللحن، حفظ قرآن عظیم الشان، ترجمه لفظی قرآن کریم، ترجمه و تفسیر قرآن کریم، تفسیر آیات الاحکام، دستور زبان عربی، فقه علمی و تخصصی شامل بوده است.

دار الحفاظ ولایت هرات:

این دار الحفاظ طبق معمول در بدو به کمک مادی و معنوی اهالی متدین و به جد و جهد علماء تأسیس گردید. در سال 1318 هجری شمسی از جانب وزارت معارف کشور به رسمیت شناخته شده و رسماً به مدرسه فخر المدارس ملحق گردید. اولین دسته از فارغان خویش در سال 1323 هجری شمسی به جامعه تقدیم داشت.

دار الحفاظ اندخوی:

این دار الحفاظ در بدو به کمک مادی و معنوی اهالی مردم وقاریان و حافظان قرآن آنولایت تأسیس گردید و در سال 1319 هجری شمسی رسماً به وزارت معارف ملحق و به مدرسه ابو مسلم خراسانی مدغم شد.

دار الحفاظ ولایت فاریاب:

دار الحفاظ ولایت فاریاب میمنه در سال 1322 هجری شمسی به کمک اهالی منطقه ایجاد گردید که بعداً سمت رسمی را یافت و از جانب وزارت معارف کشور به مدرسه ابی مسلم ملحق شد.

دار الحفاظ کوت ولایت جلال اباد:

این دار الحفاظ ابتدا در منطقه کوت شهر جلال اباد به کمک اهالی متدین آغاز به فعالیت نمود و در سالهای 1352 هجری شمسی بحیث دار الحفاظ رسمی حکومتی تبدیل و به مدرسه عالی نجم المدارس هده ولایت ننگرهار ملحق گردید.

ارتقای سطح تحصیلی مدارس:

مدارس دینی در افغانستان، اکثراً از حلقه های درسی مساجد که به کمک اهالی منطقه و علماء جید آن منطقه رهبری و هدایت میشود آغاز گردیده است. و بعد همین حلقه های درسی به جد و جهد علماء به مدارس رسمی دولتی در چوکات وزارت معارف ملحق گردیده است.

این مدارس تا سال 1354 هجری شمسی تحصیلات رسمی خویش را الی صنف 12 ادامه میدادند ولی بعد از سال 1354 هجری شمسی سطح تحصیلی در این مدارس تغییر و در بخش امور شرعی تحصیلات به سطح مافوق بکلوریا ارتقاء یافت و تحصیلات مدارس به صنف 13 و 14 شاگردان خویش را می پذیرفت.

وضعیت حالی مدارس:

سیستم و وضعیت تعلیمی این مدارس تغییر یافته که ضرورت به یک بحث مستقل و جداگانه دارد. «آقای داعی الحق عابد»، معین وزارت حج و اوقاف دولت جمهوری اسلامی افغانستان طی مصاحبه در سال 2016 گفته است: در سراسر کشور ما افغانستان 3500 مدرسه دینی تحت نظارت این وزارتخانه و 1100 مدرسه دینی زیر نظر وزارت معارف فعالیت دارد.

به گفته آقای عابد مدارس وابسته به وزارت معارف آموزش دانش آموزان تا صنف

چهاردهم برعهده دارند و به فارغ التحصیلان خود مدرک می دهند، اما مدارس وابسته به وزارت حج و اوقاف اغلب پایه ابتدایی را دربرمی گیرد. مقام های وزارت معارف افغانستان فعالیت تعداد کثیری از مدارس مذهبی را در شرایط فعلی در کشور تأیید نموده و میگویند در جنب مدارس رسمی همین حالا در حدود و 1300 مدرسه دینی دور از نظارت وزارت معارف فعالیت دارد. براساس آمارهای وزارت معارف افغانستان درحال حاضر حدود 250 هزار محصل دینی از جمله 15 هزار نفر آنها دختر، در 1100 مدرسه دینی تحصیل می کنند.

نظام درسی مدرسهء امام ابوحنیفه (رح):

(صنف هفت الی صنف دوازده سالهای 1348 هجری شمسی - 1354 هجری شمسی)

مضامین صنف هفتم

قرائت قرآن کریم: (حفظ و تلاوت)

فقه: قدوری

لسان عربی: قواعد مطالعه

صرف (صرف بیان با حفظ قواعد)

نحو: (حفظ نظم مائة عامل)

پشتو: مطابق نصاب درسی لیسه ها

دری: مطابق نصاب درسی لیسه ها

اجتماعیات: مطابق نصاب درسی لیسه ها

الجبر: مطابق نصاب درسی لیسه ها

هندسه: مطابق نصاب درسی لیسه ها

انگلیسی: مطابق نصاب درسی لیسه ها

ساینس: مطابق نصاب درسی لیسه ها

خط: (حسن خط)

مضامین صنف هشتم

قرائت قرآن کریم (حفظ و تلاوت)

فقه (نور الايضاح)

لسان عربی: (قواعد مطالعه)

صرف (زنجانی)

نحو (شرح مائة عامل)

پشتو

دری

اجتماعات

الجبر

هندسه

انگلیسی

ساینس

مضامین صنف نهم

تفسیر شریف (تجوید و قرائت سوره بقره البته حفظ جز چهارم جز سی ام)
حدیث شریف (ریاض الصالحین)
فقه القدروی (بخش نکاح)
لسان عربی (قواعد)
نحو (حفظ نظم مائة عامل و قراءة شرحه. زبده التجويد)
الصرف (صرف بهائی)
پشتو (ا ملاء و انشاء و تعقیب نصاب درسی لیسه ها)
دری (ا ملاء و انشاء و تعقیب نصاب درسی لیسه ها)
تجوید (زبده التجويد)
انگلیسی
الجبر
هندسه
ساینس
اجتماعات

مضامین صنف دهم:

تفسیر شریف (جلالین ربع اول)
حدیث شریف (مشکوه شریف صلوه)
فقه (کنز الدقایق ، قسم عبادات)
عقاید (ابو المنتهی)
ادب الاسلام (از مضامین درسی ازهر شریف)
اصول فقه (اصول شاشی)
اصول حدیث (شرح نخبة الفکر حصه اول)
لسان عربی المحاوره و المطالعة .
منطق (مرفقات)
پشتو
دری
تاریخ
انگلیسی
بلاغت
روحیات

مضامین صنف یازده:

تفسیر شریف (جلالین سوره بقره و آل عمران)
حدیث شریف (ربع اول مشکوه المصابیح)
فقه (هدایه اول ، کنز دقائق جلد اول بخش نکاح)
عقاید: رساله التوحید (النصف الأول)

اصول فقه (نور الانوار قسمت اول)
اصول حديث (شرح نخبة الفكر حصه دوم)
لسان عربى (النحو الواضح)
منطق (ايساغوجى)

پشتو

درى

تاريخ اسلام

انگليسى

بلاغت كتاب البلاغه الواضحة (قسمت اخير)

روحيات

مضامين صنف دوازدهم:

تفسير شريف (تفسير مدارك التنزيل) (سوره بقره)

حديث شريف (ترمذى)

فقه (هدايه اخير بيوع)

عقايد رساله التوحيد ، النصف الأخير .

تاريخ اسلام (كتاب تاريخ التشريع الاسلامى از شيخ خضرى بيك)

اصول فقه (حصه اخير نو الانوار)

لسان عربى

منطق كتاب قطبى

پشتو

درى

تاريخ (تاريخ التشريع ، اثر خضرى بيك)

انگليسى

بلاغت (تخلص)

ميراث (سراجى)

روحيات اصول تدريس

مواد درسى صنوف سيزدهم و چهاردهم مدرسهء امام ابوحنيفه (رح) درسال 1354

هجري شمسى)

صنف سيزدهم

ربع اول سال:

1- تفسير الشريف: مدارك التنزيل، ربع اول - الآيات و الأحكام .

2- الحديث الشريف: صحيح البخاري الربع الأول .

3- الفقه الهداية، قسم العبادات و النكاح .

4- أصول الفقه نور الأنوار (النصف الأول).

5- أصول التفسير .

6- تاريخ التشريع الإسلامى .

7- عربى .

8- تاريخ الإسلام .

- 9- اللغة الإنجليزية .
 - 10- پشتو .
 - 11- دری
 - 12- پشتو
 - 13- روحيات
- ربع دوم سال :
- 1- تفسير المدارك الشريف: (ربع دوم – آيات احكام)
 - 2- صحيح البخاري، ربع دوم .
 - 3- الفقه: هدايه بخش نكاح
 - 4- عقايد
 - 5- بلاغت : مختصر المعاني (فن المعاني).
 - 6- المنطق: بديع الميزان .
 - 7- زبان عربی
 - 8- زبان پشتو
 - 9 – زبان دری
 - 10- أصول تعليم وتربيته
 - 11- اصول تدريس
 - 12- الفلسفة، مبادئ الفلسفة.
 - 13 – انگلیسی
- صنف چهارده
- ربع اول سال:
- 1- تفسير المدارك الشريف: (ربع سوم - الآيات و الأحكام).
 - 2- الحديث الشريف: صحيح البخاري ربع سوم .
 - 3- الفقه: الهداية الأخير (نصف الأول).
 - 4- العقائد: شرح العقائد النسفي.
 - 5- بلاغة: مختصر المعاني (فن البيان).
 - 6- الفرائض: السراجي .
 - 7- تاريخ الإسلام
 - 8- زبان پشتو
 - 9- زبان دری
 - 10- انگلیسی
 - 11- تاريخ (تاريخ معاصر افغانستان)
- ربع دوم :**
- تفسير: (الآيات و احكام)
 - 2- الحديث الشريف: صحيح البخاري الربع الأخير .
 - 3- فقه: هدايه اخير - النصف الثاني .
 - 4- أصول الفقه نور الأنوار - النصف الأخير .

- 5- بلاغت
- 6- پشتو
- 7- دری
- 8- انگلیسی
- 9- فلسفه
- 10- روحيات
- 11- اصول تدریس

استادان و مدرسین مشهور مدرسه امام ابو حنیفه (رح):

سال های 1348 الی 1354 هجری قمری

معلم و مدرس تفسیر شریف ، استاد مولوی عبدالرب احدی وردگ که در ضمن ملا امام و خطیب مسجد و معلم مضمون تهذیب ما نیز بود.

معلم فقه مولوی نورمحمد خان از ولایت وردگ.

معلم منطق و نحو مولوی سید الرحمن خان از ولایت لغمان

مولوی صاحب الف خان معلم اصول فقه

مولوی فضل الرحمن (فضل ربی)

مولوی عبد الشکور خان از ولایت وردگ.

لسان عربی: استادان از کشور جمهوری عربی مصر و کشور عراق (از جمله محترم ابراهیم الشدی ، شیخ عبد الحمید، شیخ ابو الفتوح ، عمر عبد العزیز ، صالح الزید، جابر الفؤادی و محمد خلیل)

معلم الجبر و انگلیسی : غلام علی خان ، محمد اسماعیل خان

معلم دری : حفیظ الله خان

معلم روحيات (روانشناسی): محترم محمد صدیق سیلانی که در ضمن رئیس مدرسه امام ابو حنیفه (رح) نیز بود ، او اصلاً از ولایت لوگر بود .

معلم قرآن تلاوت قران : قاری صاحب مشتاق

معلم روحيات : استاد سید عنایت الله شاداب از ولایت تخار ،

استاد غلام ربانی عطیش از ولسوالی پغمان ولایت کابل ،

استاد عبد القادر توانا از مزار شریف،

استاد فضل الربی از ولایت وردگ ،

استاد مولوی فضل باقی از لغمان

معلم استاد حدیث و اصول حدیث را مولوی فضل باقی بدوش داشت.

استاد محمد جان احمدزی مولوی نورولی خان نوری

استاد حدیث و اصول حدیث استاد محمد جان احمدزی

معلم زبان پشتو و تفسیر مولوی نورولی خان نوری

و استاد غلام علی خان از پغمان

و مولوی الف خان .

استادان لیلہ در مدرسه امام ابو حنیفه (رح):

مدرسه امام ابو حنیفه (رح) از جمله مدارس مهم، شهیر و معتبر کشور بود که شاگردان برای این مدرسه بعد از فراغت از مکاتب محل به طروق و پرسنجر امتحان کانکور در

ولایات مربوطه شامل صنف هفتم این مدرسه میگردیدند. شاگردان از ولایات مختلفه که در اواخر ماه حوت همه ساله به کابل می آمدند در لیلیه (تقریباً 22 نفری) که در بگرامی موقعیت داشت، زندگی را در این محل بود و باش شاگردان آغاز میکردند. این لیلیه شبانه توسط 4 نفر معلمین که در رأس آن یک سر معلم قرار داشت، پیش برده شده و تنظسم میشد.

سر معلم لیلیه آن وقت (سالهای 1348 الی 1354 هجری قمری) محترم محمد یوسف خان نام داشت و از استادان همکار اش محترم استاد بشار، محترم سید عبد الله بود. استادان مسولیت داشتند که صبح وقت ما را به نماز صبح بیدار نمایند، که از خداوند برایشان اجر عظیم استدعا دارم.

همنصفیان ما در مدرسه امام ابو حنیفه (رح):

سالهای 1349 الی 1356 هجری شمسی

عبدالقیوم از ولایت قندهار اکثراً کفتان و اول نمره صنف ما بود.

سید اسرار از ولایت تخار اکثراً دوم نمبر صنف ما بود.

عبد الرحیم «کریمی» که فعلاً بنام عباس کریمی شهرت دارد از رستاق ولایت تخار بود.

علی محمد از ولایت بدخشان اکثراً سوم نمره صنف ما بود.

سید یوسف از ولایت جوزجان.

وصال الدین از ولایت جوزجان.

محمد علی از ولایت ارزگان.

امام علی از ولایت بدخشان.

ولی محمد از مرکز ولایت کندوز بود.

عبد القادر امامی از ولایت غور.

محمد اسلام از ولایت پروان (سنجد دره ولایت پروان).

محمد صدیق چکری از خوردکابل - چکری ولایت کابل .

محمد کبیر از ولسوای ده سبز ولایت کابل

امین الدین سعیدی پسر مرحوم دکتور محمد سعید سعید افغانی از قریه عمرزایی ولایت

لغمان

صلاح الدین سعیدی پسر مرحوم دکتور محمد سعید سعید افغانی از قریه عمرزایی ولایت

لغمان

فضل الهی هدایت پسر مرحوم قاضی هدایت از ولسوالی خوگیانی

عزیز الرحمن از ولسوالی خوگیانی خواهر زاده قاضی صاحب هدایت

عبد الستار از ولایت کنر

سید جمال مشهور به شیکووال از ولایت کنر

ریاض الله از ولایت ننگرها

قاسم از ولایت لغمان از منطقه قرغه ای کج

بزرگ نواسه میاگل جان اغا از تکاب ملا بزرگ

محمد حکیم از ولسوالی پنجشیر

محمد بشیر از ولسوالی پنجشیر
سید احمد از ولایت لوگر
محمد داوود از ولایت لوگر

شیوه جلب و جذب به مدرسه ابوحنیفه (رح) :

شیوه جلب و جذب وشمولیت در مدرسه عالی ابوحنیفه (رح) به شیوه جلب و جذب وشمولیت سایر مدارس عالی فعال در کشور فرق داشت، فارغان صنف ششم مکاتب که خواستار شمولیت در مدرسه عالی ابوحنیفه (رح) میشدند، باید در یک امتحان سراسری کانکور که تحت اشراف ادارت ریاست معارف ولایت دایر میگردید، اشتراک می نمود، بعد از امتحان نمرات مشمولین توسط هیات کنترول واز جمله اشتراک کنندگان صرف اول نمره ها و دوهم نمره ها حق شمولیت در مدرسه ابوحنیفه (رح) را به دست می اورند.

نقطه بی نهایت مثبت که در شاگردان مدرسه ابوحنیفه (رح) وجود داشت این بود که در این مدرسه حتی در صنف و سال تعلیمی شاگردان نمایندگان تمام ولایت وجود داشت. این شاگردان به اخذ مبلغ کرایه موتر از ولایت به شهر کابل و از آنجا خود را به ولسوالی بگرامی می رسانند که به مجرد وصول به مدرسه شامل، لیلیه که شامل سه وخت غذای مکلف بود می شدند.

سیستم درسی مدرسه:

سیستم درسی در مدرسه ابوحنیفه (رح) از روز شنبه الی ساعت 12 بجه روز پنجشنبه از ساعت هشتم صبح الی ساعت سی و نیم بعد از ظهر البته به وقفه ای دوساعته (وقت غذا و نماز ظهر) ادامه داشت. محصلین لیلیه صرف روز های پنجشنبه ساعت 12 بجه و بعد از نان چاشت اجازه رفتن به خانه خویش را الی تا بعد از ظهر روز جمعه به دست می اورند، و در صورت غیر حاضری بدون دلیل مورد باپرس جدی سر معلم لیلیه قرار می گرفتند. ولی همصنفیان نهاری ما، میتوانستند بعد از سی و نیم بجه هر روز به خانه ها خویش تشریف ببرند.

فعالیت های فرهنگی مدرسه :

محصلان معمولاً بعد از ختم دروس یعنی بعد از ساعت چهار بعد از عصر مصروف سپورت، (والیبال، فوتبال) در باغ بزرگ احاطه مدرسه که در دوطرف دریا لوگر موقعیت داشت، می شدند. محصلان مدرسه همه سال محفل علمی بزرگ را تحت عنوان تجلیل از میلاد النبی صلی علیه وسلم تنظیم و رهبری می نمودند، و تعداد از شاگردان با استعداد با شوق و ذوق و علاقه مقاله ها و تحلیلهای علمی خویش را برای سامعان در محفل بزرگ که در آن نماینده وزارت معارف و ولسوال بگرامی تشریف می داشتند، برای حاضران قرائت میکردند.

در دوران تحصیل تعداد از شاگردان مقالات علمی را تحریر و به جراید و مجلات کابل و ولایات غرض نشر تسلیم میدادند، که می توان به آقایان عبد الرزاق فهیم، امین الدین

سعیدی، عبد الحق عتید، عبد الباری شهرت ننگیال و فضل الرحمن فاضل اشاره کرد.
الهی تمام خادمان دین و علم را جنت فردوس نصیب کند. آمین

یادداشت کوتاه درباره مدرسه دیوبند :

دارالعلوم دیوبند مادر مدارس احناف در شبه قاره هند میباشد. یکی از جمله قدیمی ترین پوهنتون ها اسلامی اسیا بشمار رفته که در ایالت اوتارپرادش در مابین شهری های مظفرنگر و سارانپور موقعیت دارد .

دین مقدس اسلام توسط محمد بن قاسم به هندوستان آورده شد و در حدود 800 سال حکومت در این سرزمین توسط مسلمانان اداره میشود ، در زمان حکومت مغول تعدادی زیادی مدارس در نیم قاره هند فعال بود ، در زمان استعمار انگلیسی این وضع تغییر کرد بالاخره به کمک علمای نخبه هند از جمله مولانا محمدقاسم نانوتوی و مساعدت علمای دیگر مانند مولانا رشیداحمد گنگوهی رحمهم الله، ذوالفقار علی دیوبند و شیخ حاج عابد حسین حسین احمد مدنی ، محمد انور شاه کشمیری ، أبو الحسن ندوی ، محدث حبیب الرحمن الأعظمی دارالعلوم دیوبند در سال 1283 هـ / 1867 م را تأسیس کردند.

هدف تأسیس این مدرسه را میتوان در نقاط ذیل جمع بندی و خلاصه نمود :

- محافظت بر تعالیم اسلامی و ابقای شوکت اسلام و شعائر آن.
- نشر اسلام و مقاومت در برابر مذاهب تبشیری و الحادی.
- نشر فرهنگ اسلامی و مبارزه با فرهنگ استعمار.
- اهتمام به نشر زبان عربی، زیرا زبان عربی وسیله ای برای استفاده از منابع اسلامی است.

- جمع بین عقل و قلب، و بین علم و روحانیت و معنویت.

نظام آموزشی این مدرسه بر پایه اصول فقه حنفی تدریس می شود. ولی علمای این مدرسه در منهج اعتقادی تابع امام ابوحنیفه رحمه الله نیستند! بلکه تنها در فقه و فروع دین تابع ایشان هستند و در مسائل اعتقادی و اصول دین تابع ابي منصور ماتریدی متوفی سال 332 هـ میباشد.

منهج اعتقادی علمای دیوبند بر مذهب ابومنصور ماتریدی است. ولی متاسفانه مسلکهای صوفیانه از جمله طریقه های نقشبندیة و چشتیة و قادریة و سهروردیة نیز در سلوک آنها یافت می شود.

این مدرسه علوم دینی بعنوان مرکز نشر دین و شریعت اسلام در زمان استعمار انگلیس بر هند نقش بزرگی ایفاء نمود.

نام رساله :

مدرسه امام ابو حنیفه (رح) و خاطرات فراموش ناشدنی از آن

تتبع و نگارش : امین الدین « سعیدی – سعید افغانی »

مدیر مرکز مطالعات ستراتژیکی افغان

و مسؤل مرکز فرهنگي دحق لاره – جرمني

ادرس ارتباطي : بريننا ليک :

saidafghani@hotmail.com

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**